

فرہنگ سبک شناسی

نویسندگان:

نینا نورگارد، بئاتریکس بوسہ، روسیو مونٹورو

ترجمہ

احمد رضایی جمکرانی (عضو ہیئت علمی دانشگاه قم) و مسعود فرہمندفر



اشارات فروارید

فهرست مطالب

- پیشگفتار مترجمان ۹
- مقدمه ۱۱
- سبک‌شناسی چیست؟ ۱۱
- شاخه‌های سبک‌شناسی؛ نمای تاریخی مختصر ۱۲
- سبک‌شناسی در آموزش و عالم علم و ادب ۱۶
- جعبه ابزار سبک‌شناسی؛ نمای کلی کتاب ۱۶

شاخه‌های اصلی سبک‌شناسی / ۱۹

- روایت‌شناسی ۲۱
- سبک‌شناسی آموزشی ۲۴
- سبک‌شناسی انتقادی ۲۷
- سبک‌شناسی پیکره‌ای ۲۹
- سبک‌شناسی تاریخی ۳۲
- سبک‌شناسی چندوجهی ۳۶
- سبک‌شناسی شناختی / بوطیقای شناختی ۴۰
- سبک‌شناسی کاربردی ۴۲
- سبک‌شناسی فرمالیستی ۴۹
- سبک‌شناسی فمینیستی ۵۱
- سبک‌شناسی فیلم ۵۴
- سبک‌شناسی نقش‌گرا ۵۷
- عاطفه: رویکردهای سبک‌شناختی ۵۸
- مطالعه تجربی ادبیات ۶۱
- نقد خواننده‌محور ۶۴

اصطلاحات کلیدی در سبک‌شناسی / ۶۷

۶۹	آشنایی زدایی
۶۹	ادب
۷۳	انجمن جهانی معناشناسی ادبی
۷۳	انجمن زبان‌شناسی و فن شعر
۷۴	اختیاری (قراردادی) بودن
۷۴	ارائه اندیشه
۷۹	ارائه گفتار
۸۲	ارائه گفتمان
۸۶	ارائه نوشتار
۸۷	ارجاع
۸۸	استعاره
۹۰	استعاره دستوری
۹۱	استعاره مفهومی
۹۴	استلزام
۹۴	اسکرپیت
۹۴	اصول مشارکت زبانی
۹۷	انسجام
۹۷	انسجام واژگانی
۹۷	انسجام ناقص
۹۸	بافتار
۹۸	برجسته‌سازی
۱۰۰	پیام کلامی
۱۰۱	پیش‌فرض و استلزام
۱۰۲	پیکره
۱۰۲	پیوستگی
۱۰۵	تحلیل گفتگو
۱۰۶	تحلیل گفتمان انتقادی
۱۰۷	تضمن
۱۰۷	تعدی

۱۰۸	تناسب
۱۰۹	توازن
۱۰۹	جایگزینی
۱۰۹	چندوجهیت
۱۱۲	حذف
۱۱۲	خوشه
۱۱۲	دال و مدلول
۱۱۳	درزمانی
۱۱۴	راوی
۱۱۸	روایت
۱۲۴	زاویه دید
۱۲۸	زبان
۱۲۸	سبک
۱۳۰	سبک ذهنی
۱۳۳	سبک (مجله)
۱۳۳	شمایل، شمایی، شمایل‌گونگی
۱۳۴	شمایل‌گونگی نحوی
۱۳۵	شیوه سخن‌گویی
۱۳۵	طرح‌واره
۱۳۵	قطب‌بندی
۱۳۵	قطب‌بندی سلبی
۱۳۸	کانون‌شدگی
۱۴۲	کلمات اشاری
۱۴۵	کلمات ندایی و نام‌گذاری
۱۴۹	لانگ و گفتار
۱۵۰	متن و بافتار
۱۵۱	مجاز
۱۵۲	مجاز جزء به کل
۱۵۲	مدلول
۱۵۲	مصادق
۱۵۳	معنای اندیشگانی
۱۵۵	معنای بینافردي

۲۲۴.....	سُوسور، فردینان دُو.....
۲۲۷.....	شُورت، میک.....
۲۳۰.....	فاولر، راجر.....
۲۳۱.....	فُرس ویل، چارلز.....
۲۳۳.....	فِلودرنیک، مونیکا.....
۲۳۶.....	کارتیر، رونالد.....
۲۳۸.....	لیچ، جفری ان.....
۲۴۱.....	لیوون، تُو وَن.....
۲۴۲.....	نَش، والتر.....
۲۴۵.....	ورث، پُل.....
۲۴۷.....	وردانک، پیتر.....
۲۴۹.....	ولز، کتی.....
۲۵۰.....	وَن پیر، ویلی.....
۲۵۲.....	ویدوسن، هنری جی.....
۲۵۳.....	هلیدی، مایکل.....
۲۵۶.....	یاکوبسن، رومن.....

کتاب‌شناسی سبک‌شناسی (برای مطالعه بیشتر) ۲۶۱

۱۵۷.....	معنای تجربی.....
۱۵۷.....	معنای قاموسی و معنای ضمنی.....
۱۵۹.....	معنای ضمنی.....
۱۵۹.....	معنای متنی.....
۱۶۱.....	نظریه آمیختگی.....
۱۶۴.....	نظریه انتقال ارجاعی.....
۱۶۸.....	نظریه چارچوب بافتاری.....
۱۷۲.....	نظریه جهان متن.....
۱۷۶.....	نظریه جهان‌های ممکن.....
۱۸۰.....	نظریه کنش گفتار.....
۱۸۴.....	نظریه فضاهاى ذهنی.....
۱۸۸.....	نظریه طرح‌واره.....
۱۹۲.....	نفی.....
۱۹۲.....	نقد سبک‌شناسی.....
۱۹۴.....	نوبت‌گیری.....
۱۹۵.....	هم‌آیی.....
۲۰۰.....	همحروفی.....
۲۰۰.....	هم‌زمانی.....
۲۰۰.....	همصدایی.....
۲۰۱.....	هنجار‌گریزی.....
۲۰۱.....	واج‌آرایی.....
۲۰۲.....	وجهیت.....

متفکران اصلی در سبک‌شناسی / ۲۰۷

۲۰۹.....	اموت، کاترین.....
۲۱۱.....	پرتن، دیردرا.....
۲۱۳.....	تولان، مایکل.....
۲۱۶.....	چامسکی، نوام.....
۲۱۹.....	سیمپسون، پُل.....
۲۲۱.....	سینکلر، جان.....

پایه‌گذاری اساس زبان‌شناختی مشخص برای طبقه‌بندی روایت‌ها، بدون نادیده گرفتن پیوندهای روایت‌شناختی است. گرچه همان‌گونه که خود سیمپسون اظهار می‌کند، کار بیشتری بر روی این موضوع به‌عنوان روایت‌های دوم شخص مورد نیاز است که به‌نظر می‌رسد در چارچوب مذکور نادیده گرفته شده است. نیز بنگرید: کانون‌شدگی، وجهیت، روایت، زاویه دید (اصطلاحات کلیدی).

روایت

تشخیص اینکه یک روایت دقیقاً از چه تشکیل شده، کار آسانی نیست. تعاریف زیر را در نظر بگیرید:

برخی روایت را به‌سادگی به‌عنوان بازنمود یک حادثه یا سلسله‌ای از حوادث تعریف می‌کنند (ژنت، ۱۹۸۲: ۱۲۷).

بازنمود یک یا چندین حادثه واقعی یا مخیّل که یک، دو یا چند راوی برای یک، دو یا چند روایت‌شنو بیان می‌کنند (پرینس، ۲۰۰۳: ۵۸).

به زبان ساده، روایت شامل بازنمود یک حادثه یا سلسله‌ای از حوادث است. در اینجا «حادثه» کلیدواژه است، گرچه برخی افراد واژه «کنش» را ترجیح می‌دهند. بدون وجود حادثه یا کنش ممکن است شما یک «توصیف»، «تفسیر»، «استدلال»، «شعر غنایی»، ترکیبی از اینها یا چیز دیگری مانند اینها داشته باشید، اما یک روایت نخواهد داشت (آبوت، ۲۰۰۸: ۱۳).

این تعاریف، سه مورد از تلاش‌های بسیار محققان برای ارائه توصیفی کامل از روایت است. علاوه بر آنچه گفته شد تولان (۲۰۰۱: ۱) نیز معتقد است که استنباط لایمن از روایت‌ها، به‌عنوان فرایندهایی با یک «راوی»، چیزی برای گفتن (یک «داستان») و شخصی که داستان برایش تعریف شود («مخاطب») است، ویژگی‌هایی را از قلم انداخته که باید مکمل این مفهوم باشند. برای مثال اگر روایت را به این سه مؤلفه تقلیل دهیم، تمایز میان روایت‌ها با دیگر رخدادهای ارتباطی مانند گفتگو با دوستان، مکالمات تلفنی یا گفتارهای مناسبی سخت خواهد بود. از نظر تولان جنبه‌ای که در آن روایت‌ها از سه نوع دیگر متمایز می‌شوند، نقش چشمگیری است که راوی داستان بازی می‌کند، بنابراین

پردازش روایت به همان اندازه که یادگیری و دانستن درباره رخدادهای داستان است، به همان اندازه نیز درباره تجربه این است که چگونه تعریف کردن یک چیز آن را نمایش می‌دهد. بنابراین تولان با مشارکت در تعریف روایت معتقد است: روایت عبارت است از توالی رخدادهای مرتبط غیرتصادفی که معمولاً در آن، شخصیت‌های انسانی یا شبه‌انسانی یا دیگر موجودات ذی‌شعور کشمکش یا تضاد را تجربه می‌کنند، و از این تجربه آنها، ما انسان‌ها «درس می‌گیریم» (تولان، ۲۰۰۱: ۸). (۱۲۱).

نه‌تنها این پیشنهاد جدید به ضرورت وجود «رخدادها» اشاره می‌کند - همان‌گونه که ژنت، پرینس و آبوت هم پیشتر اشاره کردند، - بلکه بر تسلسل هدفمند چنین رخدادهایی نیز تأکید می‌شود. بنابراین پیش‌فرض روایت‌ها عبارت است از ضرورت رخداد چیزی در نظم و ترتیبی خاص، صرف‌نظر از ترتیبی که رخدادهای در آن اتفاق می‌افتند، بازنمود حقیقی (متنی یا دیگر) آن رخدادهای همزمان باشد یا خیر. وانگهی آن رخدادهای باید با موجودات آگاهی سروکار داشته باشند که قادر باشند آموخته‌های انسانی را تجربه نمایند. به‌نظر می‌رسد در اینجا «یادگیری» در مفهوم گسترده‌گونه‌ای منفعت و مزیت که دریافت‌کنندگان روایت (عاطفی، روان‌شناختی، اطلاعاتی یا شناختی) به‌دست می‌آورند، به‌کار رفته است. با توجه به این تعریف، اجرای رقص باله، رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، روایت‌های شفاهی، قصه‌های عامیانه، پانومیم‌ها، فیلم‌ها یا نمایش‌های کمدی می‌توانند به‌عنوان گونه‌های روایت طبقه‌بندی شوند. در نتیجه تلاش‌ها برای تعریف کم نیستند. مری - لوررین (۲۰۰۷) به‌جای گنجاندن یا نگنجاندن روایت‌ها در این طبقه‌بندی، در تلاشی برای حل این مسأله، به بازیابی مجموعه‌ای از ویژگی‌های اصلی که ماهیت نهایی یا پیش‌نمونی متنی خاص به عنوان روایت را، تعیین می‌کنند، مبادرت کرد؛ زیرا، همان‌گونه که خود او توضیح می‌دهد، روایت‌ها برحسب تعریف «مبهم» هستند.

صرف‌نظر از تلقی روایت‌گری به‌عنوان یک ویژگی کاملاً دوگانه، یعنی کیفیتی که متن مفروض آن را داشته باشد یا نه، تعریفی که در پی می‌آید، متون روایی را به‌عنوان مجموعه‌ای مبهم نشان می‌دهد که درجات متغیر هم‌وندی را امکان‌پذیر می‌سازد اما نقطه مرکزی آن مربوط به نمونه‌های اصلی است که هرکس آنها را